

## حضرت شیخ معین الدین چشتی (اجمیری)

سر سلسله طریقت شریفه «چشتیه»، حضرت «خواجه معین الدین چشتی» است. حضرت «خواجه معین الدین چشتی هروی سجزی (سگزی)»، در قرن ششم هجری (۵۳۷ ه.ق. / ۱۴۲۱ ه.ش. / ۱۴۲۱ ترسای) در «سیستان» تولد شد و در همان جا به فرا گرفتن علم و دانش پرداخت. ایشان در سن ۱۵ سالگی پدر خود را از دست داد و سپس به «چشت» در «هرات» مهاجرت کرد و در این شهر به ریاضت مشغول گردید. و از این رو به «چشتی» معروف شده است. وی پس از مدتی اقامت در «چشت»، عازم ودر خانقاه «خواجه عثمان هارونی» که یکی از مشایخ بزرگ «خراسان» [که در آن زمان شامل افغانستان به جغرافیای کنونی نیز می‌شده است] بود، رحل اقامت افکند و در آنجا نزد وی به تکمیل مقامات عرفانی و روحانی مشغول شد و سرانجام دست ارادت به «خواجه عثمان» داد و در زمره‌ی خلفای وی قرار گرفت. (خلیفه یا شیخ، به تعبیری عارفی است که به مرحله پنجم عرفان رسانیده شده باشد). آن حضرت، سپس از «طوس» به «بغداد» رفت و مدتی در این شهر که در آن روزگار از مراکز مهم علوم و معارف اسلامی بود، توقف کرد و از محضر بزرگان آنجا نیز استفاده کرد و عرفای آن زمان که در بغداد اقامت داشتند را نیز درک نمود. از جمله مدتی از محضر غوث اعظم حضرت مولانا «عبدالقادر گیلانی» (سر سلسله‌ی طریقت قادریه) استفاده کرد و در این مدت خود نیز مجلس و عظ و ارشاد تشکیل داد.

## چگونگی مهاجرت خواجه معین الدین به هندوستان:

در آغاز قرن هفتم هجری سلطان شهاب الدین غوری از موطن اصلی خود در فیروزکوه که در میان کوهستانهای غور در مشرق هرات قرار دارد به هندوستان لشکر کشید. وی پس از اینکه لاهور را از بازماندگان و سلاطین غزنوی گرفت به طرف دهلی حرکت کرد و پس از چندی دهلی را فتح نمود و آنجا را پایتخت خود قرار داد. پس از اینکه ناحیه پنجاب به تصرف مسلمین درآمد و نفوذ اسلام در آن مناطق برقرار گردید، گروهی از دانشمندان و رهبران مسلمانان برای ترویج و تبلیغ دین مقدس اسلام به پنجاب و راجستان مهاجرت کردند و به فعالیتهای دینی و مذهبی مشغول شدند. خواجه معین الدین چشتی درین هنگام همراه سلاطین و امرای غوری به هندوستان رفت و در شهر اجمیر در منطقه راجستان ساکن گردید خواجه در اجمیر مؤسسات اسلامی درست کرد و مدارس و مساجدی بنیاد نهاد و به تدریس و تبلیغ مبانی اسلامی مشغول گردید. خواجه معین الدین چشتی از طریق تصوف و عرفان که با روح و فکر مردم هند سازگار بود موضوعات دینی را القاء میکرد و در اندک مدتی شهرت عظیم یافت و مردم از اطراف و اکناف پیرامون وی را گرفتند و از وجود وی استفاده کردند. نحوه رفتار سلاطین و امرای هند با خواجه نظام الدین: پادشاهان و امرای اسلامی هند فوق العاده به وی احترام می‌کردند. برای خواجه معین الدین چشتی و مسائل پیشرفت از هر جهت فراهم گردید و او توانست میلیونها نفر از بت پرستان هند را به توحید راهنمایی کند و از برکت وی دین مقدس اسلام در شمال و مغرب هند پیش روی کرد. معین الدین شاگردان زیادی تربیت کرد و آنان هر کدام در منطقه خود مصدر خدمات ارزنده‌ای شدند. قطب الدین بختیار کاکی و فریدالدین گنج شکر از شاگردان و تربیت شدگان او هستند که منشأ آثار و خدمات اسلامی شدند خواجه معین الدین پس از مدتی فعالیت و تأسیس سازمانهای فرهنگی و مذهبی در شهر اجمیر دیده از جهان فرو بست. مسلمین پس از درگذشت او برایش مقبره باشکوهی ساختند که پس از هشت قرن هنوز پا برجاست و یکی از مزارات درجه اول مسلمین در هند به شمار میرود. سلاطین مسلمان هند، از عصر ناصرالدین خلجی تا زمان نظام حیدرآبادی، هر کدام در آنجا از خود یادگاری

گذاشته‌اند. در ایوان و رواقها و داخل مقبره اشعار زیادی به زبان فارسی که زبان رسمی حکومت و مسلمانان هند بود نوشته شده که تا هنوز خوانده می شود.

معین‌الدین در اجمیر ازدواج کرد و حاصل دو ازدواج وی، سه پسر (ابوسعید، فخرالدین، حسام‌الدین) و یک دختر (بی‌بی حافظه جمال) بود. ابوسعید دو فرزند داشت و پنجاه سال عمر کرد، فخرالدین (متوفی ۶۶۱) از علما و عرفا بود و حسام‌الدین نیز در ۴۵ سالگی به سلك عرفا پیوست و سپس به طرز اسرارآمیزی ناپدید شد. بی‌بی حافظه نیز از دست پدر خرقة خلافت گرفت و زنان را ارشاد میکرد. مقبره وی، در کنار قبر پدرش، در اجمیر است.

مآخذ: (علی بدخشی، ص ۱۶۵؛ غلام سرور لاهوری، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۶۴)

### شجره نسب خواجه معین‌الدین چشتی:

حضرت خواجه غریب نواز رحمته الله علیه از طرف مادر بچند واسطه بحضرت امام حسن میرسد و نسب نامه پدری قرار ذیل است خواجه معین‌الحق والدین بن سید غیاث الدین بن سید کمال الدین بن سید احمد حسین بن سید طاهر بن سید عبد‌العزیز بن سید ابراهیم بن سید محمد بن امام حسن اصغر بن امام علی نقی بن امام محمد تقی ابن امام علی موسی رضا بن امام موسی کاظم ابن امام جعفر صادق ابن امام محمد باقر بن امام علی زین‌العابدین بن امام حسین بن حضرت علی مرتضی رضوان الله تعالی عنهم اجمعین . ( معین الاولیاء ص ۳۷، ۳۸ )

### ورود حضرت خواجه معین‌الدین چشتی به هند:

آنحضرت از طریق مرز پنجاب وارد هند شد و در شهر لاهور اقامت گزید ابتدا با شیخ حسین زنجانی نیز دیدار نمود. خواجه چشتی بیشتر اوقات خود را در جوار مقبره حضرت علی بن عثمان هجویری جلابی غزنوی مشهور به داتا گنج بخش مؤلف کتاب «کشف‌المحجوب» به تفکر و عبادت می گذرانید و برای مدتی هم در آنجا معتکف شد و سپس عازم دهلی گردید و هنگام وداع با آرامگاه هجویری با دست راست اشاره نمود چنین گفت:

گنج بخش فیض عالم مظهرنورخدا ناقصان را پیرکامل کاملان را رهنا

و در دهلی رفت بسیاری از هندوان توسط وی مسلمان شد و به طرف اجمیر حرکت نمود چون به اجمیر وارد شد و فراوان چراغ بر افروخت و از دم کبرای او گروه‌ها مردم بهره گرفتند بیشتر هندوان به برکت انفاس قدسیه آن پیر طریقت و وارث‌النبی فی‌الهند به دین اسلام مشرف شدند و آنانکه هم ایمان نیاوردند محبت خواجه را در دل جای دادند و پیوسته فتوح و هدیه‌های بسیار زیاد به آنحضرت می فرستادند. چراغ اسلام در هندوستان به طفیل عالیشان چشتیه روشن گشت. خواجه خواجگان در اجمیر سکونت گزید.

. حضرت ولی الهند خواجه معین الدین چشتی اجمیر را مرکز تبلیغات اسلامی وکانون عرفان ساخته و هزاران تن از هندوها درین شهر و در دهلی بدست مبارکش مسلمان شده و تعدادی تربیه گردیده و به اطراف و اکناف هند غرض تبلیغ اسلام و درضمن نشر مسلک چشتیه اعزام شدند چون: مشرب مشایخ چشت سماع را می پسندد و با موسیقی و آن هم با شرایط و قیودات مخصوص بخود میانه خوبی دارند و در کیش بودیزم و هندوئزم نیز موسیقی نقش بارزی داشت به این اساس هندوها زمینه خوبی برای جذب شدن به اسلام داشتند و این عامل توانست در پیشرفت اسلام و نفوذ در اعماق شبه قاره هند نقش مؤثر و به سزایی داشته باشد و علاوه بر آن مشایخ چشت با غربا و فخرای جامعه علاقمندی و محبت ویژه بی داشتند از جانب خواجه و تربیه شده گان مکتب او تسلی، ترحم، محبت، الفت و نوازش میدیدند این برخورد و اخلاق و طرز اجتماعی سبب شد تا دلها را صید حق نموده و همه را به اسلام مشرف کند . آنچه باعث تمایل هندوها به اسلام و گروه مسلم و غیر مسلم به مکتب چشتیه شده است بی آلایشی و ساده زیستی این صوفیان پاک باخته بوده است ، نه خوارق کرامات و خوارق العادات . قول و عمل و گفتار و رفتار این گونه عرفا چون دارویی بوده است برای درمان مردم رنجیده و از آنجا که سخنان آنان از دل برمی خاسته است بردل می نشست است. قابل تذکر است که به حدی مشایخ چشتیه در مسلمان نمودن هندوها و دیگران سهم داشته اند هیچ شیخ و سلسله دیگری به پایه ایشان نمیرسد و همه مورخان هم به این واقعیت در همه کتب تاریخ اذعان دارند . و هرکه درین دیار مسلمان شد و تاروز قیامت فرزندان ایشان ، همه بر اثر وجود شیخ الاسلام معین الدین چشتی خواهد بود . نقل است که آنشب که شیخ الاسلام خواجه معین الدین چشتی مشرف بموت بود، چند تن از اولیاء بزرگ حضرت رسالت (ص) را بخواب دیدند که فرمود: دوست خدا معین الدین چشتی خواهد آمد ما به استقبال او آمده ایم « (دوست خدا در دوستی خداوند وفات کرد) آنحضرت در سحرگاه (دوشنبه ۶ رجب سال ۶۳۳ هجری ق. / ۵/جمل ۶۱۵ ه.ش. / ۲۳/مارچ ۱۲۳۶ ترسایی) در اجمیر شریف دیده از جهان فروبست و به معشوق حقیقی پیوست. روضه آن در اجمیر است.

### دیوان منسوب به معین الدین چشتی:

دیوان معین الدین چشتی ، که شامل غزلیات او به زبان فارسی است. اقوال معین الدین، در آن آشکار است. وی علامت شناخت خدا را خاموشی در معرفت و گریختن از خلق دانسته است، البته خدمت به خلق، کمک به درماندگان و روا کردن حاجات بیچارگان و گرسنگان نیز در تعالیم وی جایگاه مهمی دارد. برخی از سخنان معین الدین در باره خوف و رجاف شبیه به سخنان واعظان و زاهدان است . با این حال، عشق و محبت نیز در تعالیم عرفانی وی جایگاه بلندی دارد بنابر این ، از نظر او دوستان حق تعالی، متصف به خوف و رجاف و محبت اند. معین الدین در ملفوظات خود بر شریعت و رعایت جزئیات و دقایق آن تأکید کرده است. به نظر او عارف باید در وهله اول در شریعت ثابت قدم باشد، آنگاه به پایه های طریقت، معرفت و حقیقت نایل شود.

در شماره یازدهم از سال بیست و سوم مجله گرامی "یغما" مقاله بی تحت عنوان : خواجه معین الدین چشتی و حافظ» نگارش جناب دکتر مهدی غروی معاون رایزنی فرهنگی سفارت کبرای ایران . متوفی ۶۳۳ هجری صوفی معروف هند را صاحب بیست هزار بیت شناخته و نگاشته بودند که: « هیچکس پیش

از حافظ غزل عارفانه مانند وی سروده است. و اگر وی را در غزل پیشرو سعدی و حافظ بدانیم راه خطار نپیموده‌ایم و در پایان مقاله نوشته بودند: خواجه در طی عمر طولانی خود هرگز مدح نگفت و همه اشعار وی اشعار عارفانه بسیار نغز و پرمعنی است که متأسفانه کمی از آن بر جای مانده است و همانطور که در ابتدای مقاله گفته شد غزل‌های وی بیش از همه غزل‌هایی که پیش از حافظ سروده شده به اشعار حافظ شبیه است. در حالیکه وی معاصر سلجوقیان و خوارزمشاهیان بود و سالها پیش از سعدی و حافظ می‌زیست. و چند تا از اشعاری که بدل تمام مسلمانان چنگ زده قرار ذیل است:

درجان چو کرده منزل جانان ما محمد      صد ره گشاده در دل از جان ما  
محمد

ما بلبلیم و نالان دربوستان احمد      ما لؤلؤییم و مرجان عمان ما  
محمد

مستغرق گناهیم هرچند عذر خواهیم      پژمرده چون گیاییم باران ما  
محمد

از درد زخم عصیان مارا چه غم چوسازد      از مرحم شفاعت درمان ما  
محمد

امروز خون عاشق در عشق اگر هدرشد      فردا ز دوست خواهد تاوان ما  
محمد

ماطالب خداییم بر دین مصطفی ییم      بر درگهش گداییم سلطان ما  
محمد

درباغ و بوستانم دیگر مخوان معینی      باغم بس است قرآن و بوستان ما  
محمد

نمونه دیگر:

من نمی‌گویم «انا الحق»، یار می‌گوید بگو      چون نگوییم؟: چون ا مرا دلدار  
می‌گوید بگو

هر چه می‌گوید به من هر بار، می‌گوید مگو      من نمی‌دانم چرا این بار می‌گوید  
بگو

آن چه نتوان گفتن اندر صومعه با زاهدان      با تحاشا بر سر بازار  
می‌گوید بگو

گفتمش رازی که دارم با که گویم در جهان      نیست محرم با در و دیوار  
می‌گوید بگو

سرّ منصوری نهان کردن، نه حدّ چون نیست چون کنم، هم ریسمان، هم دار می‌گوید بگو

آتش عشق از درخت جان من بر زد علم هر چه با موسی بگفت آن یار می‌گوید بگو  
گفتمش من چون نی‌ام در من مدامی می‌دمی من نخواهم گفتن اسرار، می‌گوید بگو  
ای صبا که پرسدت کز ما چه می‌گوید «معین» این دوئی را از میان بردار» می‌گوید بگو

و غزل دیگر:

این منم یا رب که اندر نور حق فانی شدم؟ مطلع انوار فیض ذات سبحانی شدم  
ذره ذره از وجودم طالب دیدار گشت تا که من مست از تجلی‌های  
ربانی شدم

زنگ غیرت را ز مرآت دلم بزود عشق تا به کلی واقف اسرار پنهانی شدم  
من چنان بیرون شدم از ظلمت هستی خویش تا ز نور هستی او آن که می‌دانی شدم  
گر ز دود نفس ظلمت پاک بودم سوخته ز امتزاج آتش عشق تو نورانی شدم  
خلق می‌گفتند کین ره را به دشواری روند ای عفاک الله که من باری به آسانی شدم  
دم به دم روح القدس اندر «معینی» می‌دمد و نه نمی‌دانم مگر من عیسی  
ثانی شدم

و در رسای حضرت امام حسین نواسه پیامبر رسول مجتبی (ص) سروده است:

شاه است حسین و پادشاه است حسین  
دین هست حسین و دین پناه است  
حسین  
سر داد نداد دست در دست یزید  
حقا که بنای لاله هست  
حسین

### خلفای حضرت خواجه معین الدین چشتی:

آنحضرت دارای خلفای زیادی است چه آن مرامی را که وی تعقیب میکرد یعنی نشر و اشاعه اسلام در  
سرزمین شبه قاره هند که در آن سنگ، چوب، گاو، دریا، ستاره ها و برهما پرستش میشد قدرت و قوت  
فوق العاده‌ای میخواست که بجز ولی الهند وارث رسول خواجه معین الدین چشتی کسی دیگری بطور

کامل از عهده این وظیفه و مسئولیت خطیر و عظیم برآمده نمیتوانست و خلفای حضرت خواجه هر يك درگسترش اسلام و پخش آیین الهی و قوانین و تبلیغ طریقه چشتیه سهم بزرگی داشته و جان نثاریهای کردند که ما بطور فشرده اسامی تني چند ازین شخصیت های بزرگ و بي نظیر تاریخ عرفان اسلامي را در هند ذکر میکنیم:

۱ - خلیفه و جانشین اش خواجه قطب الدین بختیار کاکي.

۲ - شیخ حمیدالدین صوفي سعید ناگوري مشهور به سلطان التارکین شیخ فخرالدین اجمیری.

۳ - بي بي حافظه جمال دختر شان.

۴ - خواجه محمد یادگار سیزواري.

۵ - شمس الدین التمش پادشاه هندوستان.

۶ - شاه فخرالدین گردیزی.

۷ - مولانا ضیاء الدین بلخي.

۸ - شهاب الدین محمد بن سام غوري فاتح دهلي.

۹ - پیر حاجي سيد علي شاه بخاري.

### عصر زنده گی خواجه معین الدین چشتی اجمیری:

خواجه معین الدین در عصری زنده گی می کرد که قسمت اعظم جهان اسلام و از جمله زادگاهش خراسان و خطه ایران، در زیر سم ستوران سپاه چنگیز مغول، آبادیهایش ویران و مردمش قتل عام گردیدند. در سرزمین هند هم که وی اقامت گزیده بود، آتش جنگی که به وسیله حکام محلی شعله ور گشته بود، تر و خشک را می سوزانید و این جنگهای خانمان سوز پیرو جوان فقیر و غنی همه راسیاه روز کرده بود. از سوی دیگر ساختمان اجتماعی هند بر اساس تمایزات و اختلافات طبقات و کاست ها قرار داشت و طبقات محروم این جامعه اکثریت را تشکیل میداد، مردم بسیار بی چیز و درمانده، و بشدت تحت بیداد گری طبقات بالا بودند، و پیام عدل و قسط و برادری و برابری که با تعلیمات و تبلیغات صوفیان مسلمان همراه بود برای این طبقه وسیع و ستمکش و مظلوم بسیار امید بخش و دلگرم کننده بود و آنان را به سوی خود جلب می کرد. در چنین شرایطی بود که خواجه معین الدین و عرفای دیگر چون بهاؤالدین زکریای ملتانی ملجأ و پناه گاهی بودند برای مردم درمانده و ستمدیده، روش عارفانه اینها بود که نه تنها مردم عادی را به سوی خود جذب می کرد، بلکه امراء و احکام و گردنکشان گاهی رام گردیده و آنها را مرید و شیفته خود می گردانید. در ضمن شرح حال خواجه معین الدین بنام چند تن از

<sup>۱</sup> جامی نورالدین عبدالرحمن. نفحات الانسمن حضرات القدس. پیشین ص ۲۲۸ به بعد؛ ظریف سید احمد. تاریخ مشایخ چشت، چاپ هرات افغانستان. بیتا، ۱۳۹۲؛ آریا غلام علی. طریقه، چشتیه در هند و پاکستان، ص ۸۲-۱۰۴.

حدولت مندان که از ارادت مندان شیخ بودند ، بر خورد کردیم که از آن جمله شمس الدین التمش بود،  
(غلام سرور لاهوری، خزیه الصفیاء، ص ۲۷۶) می گوید:

«شمس الدین التمش پادشاه اقلیم هند» اگر چه بظاهر تعلق پادشاهی داشت لیکن فقیر دوست بود و مورد نظر خواجه معین الدین واقع شد و بدین وسیله کمال التفات و اعتقاد به خدمت حضرات اهل چشت نیک سرشت پیدا کرد، تا جایی که خود یکی از مریدان خواجه قطب الدین کاکای ، خلیفه خواجه معین الدین چشتی گردید.»

اصولاً هدف مسافرت شیخ به هند ، برای ارشاد و گسترش اسلام بوده است و بعضی از تاریخ نویسان علت سفر وی را چنین ذکر کرده اند: که حضرت محمد (ص) وی را در عالم رؤیا مأمور کرده که برای نشر دین اسلام به هند سفر کند، و به همین سبب وی را در هند بنام نایب رسو الله گفته اند. به وسیله او بسیاری از بت پرستان در هند به اسلام ایمان آوردند که از این میان گرونده گان به اسلام در وقتی که از لاهور به دهلی آمد، بسیار زیاد بوده است. (Sufism pp. 96-200)

### تالیفات عرفانی خواجه معین الدین چشتی

آثار عرفانی و تالیفات خواجه ، از جمله مطالبی است که به تحقیق در باره آن نمیتوان سخن گفت. موضوع از آن جا پیچیده تر می شود که هر چه از زمان او دور تر می شویم تذکره نویسان به تالیفات وی می افزایند، تا بدان حد که بیش از هفت عنوان، تالیف را که قرار ذیل است برای خواجه بر شمرده اند:

انیس الارواح :

۱) انیس الارواح یا انیس دولت، که ملفوظات خواجه عثمان هارونی است

گنج اسرار :

۲) گنج اسرار ، که مجموعه دیگری از ملفوظات خواجه عثمان هارونی است ؛ بخشی از این ملفوظات راجع به شرح مناجات خواجه عبدالله انصاری است.

دلیل العارفین :

۳) دلیل العارفین، مشهورترین اثر او، که مجموعه ملفوظات وی است و قطب الدین بختیار کاکای آنها را گردآورده است (لاهور ۱۳۱۱). این کتاب در باره مسائلی از قبیل طهارت ، نماز ، ذکر، محبت، وحدت و آداب سالکان است.

بحر الحقایق :

۴) بحر الحقایق ، ملفوظات خواجه معین الدین چشتی خطاب به خواجه قطب الدین بختیار است که در آن سیر و سفر عرفانی خود ، از جمله معراجش ، را برای قطب الدین شرح داده و از رسیدن خود به مقام وحدت سخن گفته است.

اسرار الواصلین :

۵ ( اسرار الواصلین ، شامل هشت نامه به خواجه قطب‌الدین اوشی بختیار است.

رساله وجودیه :

۶ ( رساله وجودیه، در باره نیروهایی که به سبب ریاضت و چله نشینی و نیز کیفیت دم (نَفَس) به وجود می‌آید . این رساله آداب دم زدن و سرمایه جوگ نیز نامیده شده است .

کلمات:

۷ (کلمات خواجه معین‌الدین چشتی ، در باره وحدت وجود ، نفی و اثبات ، ناسوت، لاهوت و ملکوت است .)

، در حالیکه در سیر الاولیا ء - تا آنجا که من اطلاع دارم - که نزدیکترین تذکره تالیف یافته ، نسبت به زمان خواجه می باشد ، فقط صفحه‌ از سخنان عارفانه وی ، آنهاهم بدون ذکر مأخذ ، در ضمن شرح حال او آمده است. [سیره الاولیاء ص ۵۵-۵۶] و مؤلف اشاره به اینکه آثاری از نظم ویا نثر از خواجه باقی مانده باشد نمی نماید.

یکی دیگر از مأخذ قدیمی اخبار الاخیار است که در حدود سه صد و پنجاه سال بعد از زمان خواجه تالیف یافته است . در این مأخذ تنها به کتابی بر میخوریم که خلیفه وی ، یعنی خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی ، سخنان مراد خود را در آن درج کرده است و آن را دلیل العارفین نام مانده است. [اخبار الخیار، ص ۲۲]

پژوهش ها نشان میدهد که هیچ یک از مأخذ قدیمی زکری از تالیفات خواجه نکرده اند این در حالیست که هر قدر از زمان شیخ معین‌الدین چشتی فاصله زمانی زیاد گردد به همان میزان و به مرور زمان تالیفاتی را به وی نسبت داده اند که در بالا آن را تفصیل دادیم؛ داکتر غلام علی آریا کمی بیشتر در مورد آن تالیفات این طور پرداخته است:

اصولاً این گونه تالیفات در هند به ویژه میان عارفان بالعموم و میان عرفای چشتیه بالخاص متداول بوده است که صوفیان ملفوظات پیر خود را جمع آوری کرده و بصورت کتاب در می آوردند.

کتاب «انیس الارواح، یا انیس الدولت کلمات خواجه عثمان هارونی» . - چنانکه از نام این کتاب پیداست ، خواجه معین‌الدین سخنان و ملفوظات مرشد خود عثمان هارونی را گرد آوری نموده است. [فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، منزوی ، ص ۵۶۲] این کتاب در بیست و هشت مجلس به قرار ذیل تالیف یافته است:

- ۱- در احکام ایمان، ۲. مناجات مهتر آدم، ۳. در خرابی شهر ها، ۴. فرمانبرداری زنان، ۵. احکام صدقه، ۶. شرب مویز، ۷. آزار مؤمنان، ۸. قذف گفتن، ۹. کسب کردن، ۱۰. مصیبت، ۱۱. کشتن جانوران، ۱۲. احکام سلام کردن، ۱۳. کفارات روزه، ۱۴. قضیلت حمد و اخلاص، ۱۵. سخن در اهل جنت، ۱۶. فضیلت مسجد، ۱۷. گرد آوردن مال دنیا، ۱۸. عطر، ۱۹. بانگ نماز، ۲۰. سخن در مؤمنان، ۲۱. روا کردن نیاز مردم، ۲۲. آخرت الزمان، ۲۳. تفکر به مرک، ۲۴. چراغ مسجد، ۲۵. درویشان، ۲۶. شلوار و آستین دراز پوشیدن، ۲۷. امیران ستمگر و عالمان دنیا دوست، ۲۸. توبه و سلوک. و آغاز این کتاب چنین است: «حمد اله ، صلاة ، بدانک اسعد کالله،



که این اخبار و آثار انبیاء و انوار اولیاء از کلمات و انفاس متبرکه سید العارفین ... خواجه عثمان هارونی (رح) شنیده و رساله انیس الارواح نام اوست»  
و در دیباچه می گوید: «از زبان ایشان شنیدم و به انیس دولت نامیدم».  
این کتاب چندین بار به چاپ رسیده است...

دیگر از تالیفات منسوب به خواجه معین الدین، که مایه هندی داشته و در باره نیروهای ناشی از ذکر و ریاضت و چله نشینی است و نسخه های چندی (خطی) از آن کتاب در پاکستان وجود دارد که از آن جمله نسخه ای در کتابخانه گنج بخش، (علی هجویری غزنوی) ضمن مجموعه به شماره ۶۳۱۴ به ثبت رسیده است.<sup>۲</sup> و این رساله تا کنون به چاپ هم نرسیده است.

این رساله چنین شروع می شود: «گفتار خواجه معین الدین حسن سنجری (ق ۵). بیان رگ سکمن و بعد چنگلاونیکا، و بعد سه رگ توتانکا شدند، و بعد از آن نابکاء ۳۶۰ رگ شدند.»  
سومین تألیف منسوب به خواجه، نسخه خطی دیگری هست به اسم «کلمات خواجه معین الدین سجری» که تحت شماره ۲۷۲۸، ضمن مجموعه در کتابخانه گنج بخش ثبت گردیده است.<sup>۳</sup>  
موضوع این رساله، وحدت وجود و نفی اثبات و مقام ناسوت و لاهوت و ملکوت می باشد و آغاز آن چنین است:

<sup>۲</sup> فهرست نسخه های خطی ... منزوی، ج. ۲، ص. ۷۰۱ (این رساله در فهرست نسخه های خطی ... منزوی، تحت عنوان «معین الدین سجری» آمده است).

<sup>۳</sup> فهرست کتابخانه گنج بخش، منزوی، ص ۷۶۳

<sup>۴</sup> عالم لاهوت جهان مختص به خدا، عالم جبروت عالم عقل بدون تصور اجسام، عالم ملکوت عالم بدون اجسام با امکان تصور شکل و صورت و عالم ناسوت، عالم مختص به انسانها و به معنای جهان جسمانی است. از این عوالم به صورت گسترده در فلسفه، عرفان و تفسیر نام برده شده است.

#### عالم لاهوت

لاهوت مشتق از الله و به معنای عالم غیب و عالم الهی است. [فرهنگ معین] عالم لاهوت عالم خداوندی است که بر همه عوالم وجود مستولی است خداوند که در قرآن با نام الله آمده است. بزرگترین محور اصلی قرآن کریم و ادیان الهی است. توحید، شهید مرتضی مطهری [نام خداوند الله است و بقیه اسامی او صفات اویند]. [آیه ۸۰ سوره اعراف]

صفات خداوند بر دو گونه است

اول: ذات بخشی از صفات مربوط بذات خداوند است و عین ذات او می باشد. مجموعه صفات ذاتی خداوند در چهار صفت اصلی قابل جمع است که عبارتند از: وحدانیت، سرمدیت، عالمیت، قادریت

دوم: فعل بخشی از صفات مربوط به عمل خداوند است اینگونه صفات حادث و ناشی از قدرت و علم اویند مجموعه صفات فعل خداوند در چهار صفت اصلی قابل جمع است که عبارتند از: خالقیت، ربوبیت، حاکمیت، مالکیت

دو صفت قدوس و سبح در قرآن به عنوان صفت سلبی معروفاند که مفهوم اند و تنزیه خداوند از صفات محدود ناقص و بشریست اولی تنزیه مادی و دومی تنزیه معنوی (صفات سلبیه) [تفسیر صفات سلبیه مکارم شیرازی]

#### عالم جبروت:

- 
- 

#### ادامه یاورقی از صفحه قبل

در اینکه آفرینش فرشتگان پیش از هر موجود دیگری بوده تردیدی نیست و آیات بسیاری در قرآن ناظر بر این امر است. علت این امر هم روشن است چون ملائکه اسباب اجرای اوامر الهی اند و تعدادشان نیز بشمار است. فرشتگان موجوداتی لطیف و مجردند و فاقد غرائز بلکه عقل صرفند و دقیقاً تحت اوامر الهی. عقل اول؛ عقل دوم:

- فلاسفه اسلامی این عالم را به عالم عقل یا جبروت اطلاق می‌کنند. [سوره قدر آیه ۴] « تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ » از نگاه تفسیر مجمع البیان: « از دیدگاه پاره ای منظور این است که: فرشتگان به همراه جبرئیل در شب قدر به زمین فرود می‌آیند تا زمزمه عبادت و نیایش و تلاوت قرآن و راز و نیاز بندگان خالص و کمال طلب خدا را بشنوند و توبه و اصلاح پذیری و کارهای شایسته آنان را بنگرند. ]
- فرشتگان دارای اقسامی و هر قسمی از آن وظایفی را به عهده دارند. فرشتگانی که از بقیه از نظر درجاتشان به خدا نزدیک ترند، مقرب نامیده می‌شوند. چهار فرشته مقرب در اسلام عبارت‌اند از: جبرئیل (فرشته وحی) مسوول عالم اند [سوره شعرا آیه ۱۹۳]: « نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ » صاحب تفسیر نمونه چنین اذعام میدارد که: « (آیه ۱۹۳) - لذا اضافه می‌کند: «آن را روح الامین (از سوی خداوند) نازل کرده است» (نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ).
- اگر آن فرشته وحی آن را از سوی خداوند نیاورده بود، این چنین درخشان و پاک و خالی از آلودگی به خرافات و اباطیل نبود. ]
- میکائیل (فرشته روزی) [آیه ۹۲ سوره بقره « وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ. تفسیرابن کثیر: « (و در حقیقت موسی با دلایل روشن به سوی شما آمد) یعنی با دلایل روشن و دلایل روشن که او رسول خدا بود و معبودی جز خدا شایسته پرستش نیست. نشانه های روشن - یا معجزات - که در اینجا ذکر شده عبارتند از سیل، ملخ، شپش، قورباغه، خون، عصا و دست. از معجزات موسی نیز می‌توان به شکافتن دریا، سایه انداختن یهودیان با ابرها، ماتنا و بلدرچین، سنگ فوران و غیره اشاره کرد.
- عزرائیل (فرشته مرگ) مسوول عالم برزخ [فَلَنْ يَتُوفَّاكُمْ مَنَّكَ الْمَوْتِ الَّذِي ذُكِّرْتُمْ إِلَى رَبِّكُمْ تَرْجَعُونَ. تفسیرآیه: « (قل بتوفیکم ملک الموت الذی وکل بکم ثم الی ربکم ترجعون): (ای پیامبر بگو: فرشته مرگ که به شما گماشته اند جان شما را به طور کامل باز می‌ستاند و سپس به سوی پروردگارتان باز می‌گردید) (توفی) یعنی آنکه چیزی را به طور کامل دریافت کنند. در این آیه خداوند به رسول گرامی خود دستور داده تا در پاسخ استبعاد آنها بگوید که حقیقت مرگ بطلان و نابودی نیست بلکه ملک الموت که موکل بر امر میراندن شماست، شما را بدون اینکه چیزی از شما کم شود، بطور کامل می‌گیرد و ارواح شما را از بدنهایتان جدا می‌کند، پس آنچه دستخوش تبدیل و تغییر می‌شود بدن شماست، نه حقیقت و روح شما، و آن حقیقت محفوظ می‌ماند تا در نهایت بسوی پروردگارتان مبعوث گشته و دوباره به بدنهایتان بازگردید. ]
- اسرافیل (فرشته صور) مسوول رستاخیز [آیه ۱ سوره ق: « وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ » تفسیر: « و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، ]
- البته نباید از این نکته غافل بود که دو استعمال مختلف در مورد جبروت و ملکوت وجود دارد. اکثر عالمان عالم جبروت را به لحاظ رتبه، برتر از عالم ملکوت می‌دانند؛ و برخی همچون ابن عربی ملکوت را برتر از جبروت می‌دانند؛ و به بیان ساده تر، آنچه را که دیگران جبروت می‌نامند او ملکوت می‌نامد و آنچه را که دیگران ملکوت می‌نامند او جبروت می‌نامد [وحدت وجود و نتایج آن از نگاه محی الدین ابن عربی به قلم علی شالچیان ناظر، انتشارات سلوک ما، چاپ اول، ص ۵۰].

### عالم ملکوت:

بعد از عالم ناسوت جهان دیگری توسط خداوند به وجود آمده است؛ که فلاسفه از آن به عالم مثال یا صورت تعبیر نموده‌اند. عالم ملکوت همان عالم مثال است که مرتبه ظهور حقایق مجرد و لطیف با آثار و عوارض مادی نظیر شکل و مقدار است. برخی از آن به عالم ذر و گروهی آن را همان عالم برزخ می‌نامند؛ در حالی که این دو عالم از امور مادیند و عالم ملکوت مجردست .

### عالم ناسوت:

ناسوت به معنای طبیعت، عالم مادی. [عالم ناسوت به معنای جهان مادی و طبیعت است. این عالم، گذرگاهی برای رسیدن به عوالم بالاتر همچون جبروت، ملکوت و لاهوت به شمار می‌رود. عالم ناسوت پایین‌ترین مرحله در سیر کمالی انسان است و تغییر و نیستی از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود. این واژه اغلب در آثار عرفانی و فلسفی به کار گرفته شده است. ] و عالم ناسوت، یعنی عالم ماده و حرکت و زمان و مکان، و به عبارت دیگر عالم طبیعت و

«بسمه . روایت می کند بنده خداوند خواجه معین حسن سنجری که جمله کاینات پنج است . اول کلمه الا، دوم کلمه له، سوم کلمه الاالله ، چهار کلمه الله ، پنجم کلمه هو .»

دگر رساله ایست موسوم به «گنج اسرار» که مشخصات آن در فهرست خطی کتابخانه گنج بخش چنین آمده است : «گنج اسرار، خواجه معین الدین سنجری، حسن بن غیاث الدین (متولد ۶۳۳ هـ.ق./۱۲۳۶م) در دیباچه گوید: بدان که مؤلف معین الدین حسن سنجری می گوید که مدت بیست و دو سال در سفر بودم ، به خدمت خواجه عثمان هارونی رسیدم ، و این ملفوظات را در بیست و پنج معرفت جمع آورده ، گنج اسرار نام نهادم ... سپس فهرست آنها : ۱- معرفت ، دانستن علم شریعت و دریافتن علم طریقت ... ۲- طهارت ظاهر و طهارت باطن، ۳- عبادات، ۴- دریافتن رموزات استفهام معانی رموزات ...، ۵- شرح شب معراج ...، ۱۵- مکتوب قاضی احمد غزالی ...، ۲۰- سکر مهابت و سکر محبت ، معرفت شمسی و معرفت قمری ، ۲۵- شرح منجات خواجه عبدالله انصاری ...»

آغاز حمد متواتر و ثنای متکثر ، مر حضرت بی نیازی را که اطباق سماوات و ارض بی ستون...»

از این رساله دو نسخه در کتابخانه گنج بخش یکی به شماره ۴۲۳۰ در یک مجموعه و دیگری به شماره ۳۶۵۰ ضمن مجموعه دیگری به ثبت رسیده است . [همان مأخذ]

بالآخره کتاب دیگری به خواجه معین الدین چشتی نسبت داده شده است ، دیوان شعری است که تنها مأخذ جدید تر از آن یاد کرده اند [طریق الحقایق، ص ۶۳، تذکره حسینی، ص ۳۰۲، ۳۰۱] این کتاب سه بار در کانپور در سالهای ۱۸۷۵م و ۱۸۸۶م، ۱۲۸۸ هـ.ق. و همچنین دو بار در لاهور در سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۳۴م. و چهار بار در لکنهو در سالهای ۱۸۶۶م. و ۱۲۷۵ هـ.ق. و ۱۳۱۶ هـ.ق. و ۱۳۲۷ هـ.ق. تماماً به قطع وزیری به چاپ سنگی رسیده است. [فهرست کتابهای چاپی فارسی ، ج اول . ص ۱۵۸۳]

یک نسخه دیگر خطی از این کتاب نیز تحت شماره ۹۲۱/۸۹۰ در کتابخانه گنج بخش موجود است که کاتبی بنام «سائین حکیم جان قادری و چشتی در تاریخ ۱۲۹۳ هـ.ق. آنرا نوشته است. [فهرت نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش ، تسبیهی، ج. سوم ، ص ۲۲۳-۲۲۴] این دیوان شامل غزلیات است به زبان فارسی که مقطع غزلها، همه جا کلمه «معین» و «معین مسکین» آمده است. کاتب ادعا کرده است که این نسخه دیوان معین الدین چشتی است و در فهرست کتابهای چاپی فارسی نیز همین ادعا تایید می گردد . اما باید که دیوان مربوط باشد به «معین المسکین فراهی» که در شعر گاهی «معین» و گاهی «معین مسکین» و «مسکینی» تخلص می کرده است. از جمله :

«ای صبا گر پرسدت از ما چه می گوید معین این دویی را از میان بردار می گوید، بگو و یا:

---

محسوسات یا عالم دنیا به عبارت دیگر خلقت جهان مادی یعنی تحقق دادن به آنچه در جهان ملکوت ترسیم شده است به صورت جسم یعنی آفرینش : موجود زنده ، بدون جان ، گیاه جانوران، جن و انسان و از دیگران علمی ( هر چیزی از اتم ساخته شده [آشنایی با علوم اسلامی . مطهری مرتضی . ج اول . درس ششم]

درقرآن بیش از ده بار از آفرینش جهان سخن رفته است؛ بدین گونه که ما آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو را در شش روز آفریدیم. [۱۷]

به باور برخی از فلاسفه اسلامی ناسوت نیز از ۴ عالم دیگر تشکیل می گردد.

«معین در کش می باقی بنه لب بر لب ساقی پس آنگه درد مشتاقی از آن خوب ختن بشنو»  
اما آغاز دیوان این چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ربود جان و دلم را جمال نام خدا  
وصال حق طلبی همنشین نامش باش  
نواخت تشنه لبان را زلال نام خدا  
ببین وصال خدا در وصال نام خدا

و انجام آن هم چنین است:

تویی  
تویی  
چو حلقه متظری بر درو نمی دانی  
معین برای طنز (/) بگوی نکته عشق  
که طالب خودی و در درون خانه  
که بلبل چمن عشق در زمانه

صاحب الطریق الحقایق هم علاوه بر این که برای نمونه چند غزل از وی نقل کرده دو رباعی هم از او آورده است ، که چنین است:

عاشق همه دم فکررخ دوست کند  
ما جرم و خطا کنیم واو لطف و عطا  
معشوق کرشمه که نیکوست کند  
هر کس چیزی که لایق اوست کند

[طریق الحقایق.ص ۶۳]

این رباعی هم در مدح حضرت علی بن ابی طالب گفته شده (رض):

ای بعد نبی بر سر تو تاج نبی  
آنی تو که معراج تو بالاتر شد  
وی داده شهبان ز صولنت باج نبی  
یک قامت احمدی ز معراج نبی

[همانجا و نیز تذکره حسینی ، ص ۳۰۲]

بدیهی است که اشعار بالا چه از لحاظ زمانی و چه از نظر عقیده تی – به ویژه رباعی آخر نمی تواند از خواجه معین الدین چشتی باشد و این نظر زمانی قوت می گیرد که علاوه بر مآخذ قدیمی ما چند مآخذ جدید تر هم که بیشتر مورد اعتماد هستند و جنبه پژوهشی آنها از سایر مآخذ بیشتر است ، چون «تاریخ مشایخ چشت» و کتاب صوفیزم (Sufism) هیچیک نامی از اثر و تالیفی که منسوب به خواجه معین الدین چشتی باشد ذکر نکرده اند و لذا در آنچه که دیگران اعم از نظم و یا نثر، بخواجه نسبت داده اند و ما هم به آنها اشاره کردیم جای شک و تردید دید است.<sup>۵</sup>

<sup>۵</sup> مولوی آریا غلام سرور. طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ص ۱۰۲.